

واکاوی پیدایش ازدواج سفید در بین جوانان تحصیل کرده

مائده گراوند^۱

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد قم

چکیده

ازدواج سفید را باید پدیده‌ای غیرشرعی و غیرقانونی دانست که افزایش آن در سال‌های اخیر دامنگیر جامعه ایرانی شده که به نوعی فرار از ازدواج رسمی شرعی و شانه خالی کردن از بار مسئولیت تشکیل خانواده نیز محسوب می‌شود. در این راستا ازدواج سفید به علت آسانی و بدون تعهد بودن آن با استقبال جوانان روبه‌رو شده است که سبب دوری از ازدواج می‌شود. در این پدیده مجرمانه، زن و مرد بدون وجود علقه زوجیت و بدون جاری شدن صیغه عقد دائم یا موقت و همچنین بدون ثبت رسمی ازدواج، شروع به زندگی مشترک و زناشویی کرده که کاملاً غیرشرعی و غیرقانونی است این پدیده نوعاً از کشور های غربی الگوبرداری شده و در نهایت افراط، و کورکورانه صورت گرفته و با ازدواج سفید آن کشور ها تفاوت بنیادین و اساسی دارد. ورود و گسترش رسانه های ارتباط جهانی مانند ماهواره و اینترنت در ایران همانند کشور های غربی سبک های زندگی متفاوتی را آفریده و ارزشهای گوناگونی را شکل داده است، در این میان با بغرنج شدن مسائل اقتصادی، افزایش سن ازدواج و همچنین ورود ارزش های جهانی از طریق ابزار های جدید ارتباطی به تدریج رفتار های جدیدی نیز در میان جوانان ایرانی شکل گرفته که از مهمترین آن ها گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج است. یکی از افراطی ترین شکل های روابط پیش از ازدواج پیدایش الگو های ازدواج سفید است، الگویی از رابطه که ریشه های عمیق غربی دارد و ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی میانه قرن بیستم در این کشور ها است. در نتیجه در بررسی حقوقی ازدواج سفید به نکات فراوانی از جمله تدلیس، زنا، طفل نامشروع، جرائم منافی عفت بر می خوریم که در تمامی این موارد قانون مجازات اسلامی دارای قوانینی خاص می باشد، لذا بررسی این موارد از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد. علل شیوع ازدواج سفید و راه های پیشگیری از آن علی الخصوص در بین اقشار تحصیل کرده از مسائلی است که در کشورمان در بسیاری از موارد بی پاسخ مانده است. هدف از این پژوهش بررسی علل گرایش جوانان تحصیل کرده به ازدواج سفید در جامعه می باشد.

واژه‌های کلیدی: جرم انگاری، ازدواج سفید، جرائم منافی عفت، اقشار تحصیلکرده

مقدمه

در سال های اخیر نگرش جوانان نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده جهت گیری منفی یافته و به دنبال این نگرش منفی تباهی اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی در جوانان عمومیت یافته است. شواهد حاکی از آن است که تغییرات جوامع و پیچیده شدن زندگی اجتماعی بر پدیده ازدواج و جنبه های گوناگون آن اثر گذاشته است و باعث تغییر نگرش افراد به ازدواج شده است و همین تغییر نگرش موجب پیدایش ازدواج سفید شده است. رابطه هم خانگی در تعریف حقوقی، شرعی، عرفی ازدواج قرار نمی گیرد و از آن جایی که قانون این رابطه را به رسمیت نمی شناسد پس طبیعی است که حمایتی از آسیب دیدگان آن نمی کند. زیرا فرد که به طور ناخواسته وارد چنین رابطه ای می شود. بر مبنای قاعده اقدام هر ضرری که متحمل می شود نیز خود خواسته است. دلایل پیدایش ازدواج سفید در ایران می تواند تجرد گرایی دختران، کم رنگ شدن اعتقادات، باور های دینی و مذهبی مردم، الگو برداری از ماهواره و رسانه های بیگانه به ویژه سریال های ساخت ترکیه و آمریکای جنوبی باشد از سوی دیگر بی اعتنائی به نظام خانواده، عدم مسئولیت پذیری دختران و پسران برای زندگی احتمالی و جامعه پذیر کردن آن ها، نبود امکانات برای ازدواج از جمله مسکن و بیکاری، استقلال طلبی نسبی جوانان، بالا رفتن سن ازدواج، گریز از مراسم سنتی ازدواج، تهاجم فرهنگی، سنت های غلط ازدواج، هزینه های کمر شکن اقتصادی، ترس از طلاق می تواند در شکل گیری چنین روابطی تاثیر گذار باشد.

این اصطلاح در چند سال اخیر بسیار شیوع پیدا کرده به ویژه در بین افرادی که تحصیل کرده می باشند و باید گفت که این امر نشأت گرفته از کلان شهرهاست. تعریفی که برای معاشرت زوجه یا ازدواج سفید، همباشی یا همخانه کرده اند به این گونه است که زندگی مشترک میان زن و مرد بدون انشای صیغه عقد دائم یا موقت که طرفین فارغ از مراسم های شرعی و عرفی با رضایت و توافق، زندگی خود را در مکان مشترک آغاز میکنند. در این ازدواج قطعا قصد زندگی وجود دارد اما مدت آن مشخص نیست.

در جمهوری اسلامی ایران تعریفی از ازدواج سفید در نصوص قانونی نشده است و اعتبار و ارزش این پدیده غربی در قوانین موضوعه ندارد و البته دارای جنبه کیفری و مدنی نیز می باشد و طبق شرع مقدس اسلام این عمل زنا هست که برای طرفین مجازات مقرر گردیده و همین طور طفل ناشی از این ازدواجها با مشکلات زیادی روبرو است و هیچگونه حمایت قانونی نمی شود و زوجین از هرگونه حقوق مدنی محرومند و از یکدیگر ارث نمی برند و پس از پایان رابطه هیچ نهاد و قانونی از اینان حمایت نخواهد کرد و صد البته که در ایران پس از پایان رابطه زن بیشترین ضربه را از لحاظ عاطفی متحمل می شود و هیچ قانونی جهت حمایت از او وجود ندارد، هر چند ممکن است ارضای عاطفی و جنسی را به دنبال داشته باشد. اما از آن جایی که این پیوند در قانون ایران جایگاهی ندارد به محض آشکار شدن این نوع رابطه حمایت های اجتماعی نیز برداشته می شود. رنگ باختن کلیشه های جنسیتی، آزادی انتخاب بر بدن و روابط جنسی، سرد شدن نسبت به ازدواج رسمی، طرد اجتماعی و ترس از پیگرد قانونی پیامدهایی است که از سوی افراد عنوان می شود. بنابراین با توجه به رواج این نوع ازدواج در جامعه علل گرایش به این نوع ازدواج را در این پژوهش مورد بررسی قرار می دهیم.

علل گرایش به ازدواج سفید در بین قشر تحصیل کرده:

اگرچه هر دختر و پسری با دلایل شخصی خود به این ارتباط سیاه تن می دهند اما براساس پرونده های قضایی و مصاحبه های انجام شده با افرادی که مبتلا به این شیوه از زندگی هستند و بررسی های جامعه شناسانه و روان شناسانه که در این باب صورت پذیرفته است، اهم دلایل رو آوردن جوانان به چنین ارتباطی عبارت اند از :

۱- کم رنگ شدن باورهای مذهبی و اخلاقی

مهم ترین دلیل رخداد پدیده های نامشروع غربی در ایران حقیقت از دست دادن هویت انسانی و کم رنگ شدن باورهای مذهبی و اخلاقی را هشدار می دهد. زیرا ماندگاری باورهای دینی و حفظ ارزش های معنوی در یک جامعه اسلامی باعث قوام آن جامعه و برعکس کم رنگ شدن دین و اعتقادات مذهبی در جامعه و زندگی بین مردم یکی از علل انحراف جوانان و متزلزل شدن کانون گرم خانواده است.

رسول الله (ص) در این خصوص فرمودند: لَا يَزْنِي الزَّانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ زَانٍ نَمِي كُنْد زَنَّاكَارِ در حالی که او مؤمن است و سرقت نمی کند سارق در حالی او مومن است. (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۸۸)

نقش عوامل اعتقادی، تربیتی و اخلاقی در تمایل جوانان و نوجوانان به سمت انحرافات جنسی بسیار حائز اهمیت بوده و می تواند به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند؛ کسی که ایمان و عفت و حیا در وجود او نهفته است؛ هیچگاه شخصیت والای خود را که آمیخته با نور ایمان و اعتقاد بوده و پرورش یافته دین مقدس اسلام است، به خاطر لذت های زودگذر دنیوی از بین نمی برد. زنان و دخترانی که در خانواده های مذهبی رشد کرده و حجاب اسلامی را بزرگترین زینت خود می دانند، با پوشیدن لباس های تنگ و بدن نما و خودنمایی در حضور نامحرم، هرگز این زینت وارسته را به بهایی اندک معاوضه نمی کنند. (میرخلیلی و عزیزی ۱۳۹۱، ۱۲۳-۱۲۲)

به لحاظ جهت گیری های مذهبی نیز به نظر می رسد زوج هایی که به طور قانونی ازدواج می کنند دارای جهت گیری های مذهبی درونی تری هستند زیرا افرادی که مذهب را از درون طلب می کنند و با مذهب زندگی و عمیقاً آنرا باور دارند و زندگی آنها با مذهبی که به آن اعتقاد دارند، معنا می شود به دستورات آن هم توجه کرده و برای ارضای نیازهای عاطفی و جنسی خود پیرو تشکیل خانواده و ازدواج هستند و حاضر نیستند در خارج از چارچوب ازدواج به خواسته خود برسند برعکس زوج هایی که زندگی مشترک بدون ازدواج دارند جهت گیری های مذهبی درونی پایین تری داشته و برای آنها اهمیتی ندارد که الزاماً ازدواج کرده و مانند یک زوج متأهل زیر یک سقف زندگی کنند. به نظر آنها پیوند عاطفی فیما بین طرفین مهم تر از شرع و دین است. (آهنگرانی، ۱۳۹۲، ص ۵۴) گاهی در بین جوانان باورهای دینی و عقاید مذهبی کم رنگ می شود که این خود منجر به وقوع ازدواج سفید می شود.

۲- ارضای نیاز جنسی

شکی نیست که یکی از نیازهای دوران جوانی برای پسران و دختران تأمین نیاز جنسی است که نه قابل انکار و نه قابل سرکوب کردن است؛ لذا همین نیاز طبیعی و ضروری وقتی در بستر ازدواج سالم مشروع و قانونی پاسخ داده نشود، طبیعی است که به راه های دیگری کشیده می شود. هم خانه شدن یکی از راههای ساده و ارزان ارضای این نیاز اساسی انسان است. اکثر پسران با توجه به شرایط روحی و روانی، عمده هدف آن ها از این ارتباط بدون ازدواج، ارضای نیازهای جنسی است که بعد از مدتی به خاطر تنوع طلبی سراغ گزینه های بعدی می روند، درحالی که دخترها اکثراً با هدف ازدواج رسمی به این نوع ارتباط روی می آورند که عمده این مهم محقق نمی شود و پیامد عدم تحقق آن، نفرت و سرخوردگی و افسردگی است. همان طور که خداوند فرموده است: کسانی که ایمان آورده اید! طیبات را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حد، تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی دارد. (سوره نساء، آیه ۸۷)

هر دختر و پسر که به حد بلوغ و رشد رسیده باشد به طور طبیعی یک کشش باطنی و غریزی نسبت به جنس مخالف در خود احساس می کند. این غریزه نیز همچون سایر نیازهای انسان نقش مهمی در زندگی وی دارد که باید ارضا و پاسخ داده شود. با روند رو به رشد زندگی شهرنشینی، از یک سو سن بلوغ جنسی پایین آمده و از سوی دیگر، توانایی اجتماعی فرد برای تشکیل خانواده کمتر می شود چه آنکه در جوامع روستایی، یک جوان در سن هجده سالگی به راحتی می تواند تشکیل خانواده دهد اما در جامعه شهری با توجه به هزینه و مخارج سنگین اقتصادی، این سن برای ازدواج غیر قابل هضم به نظر

می رسد مناسب ترین گزینه برای پاسخ به میل جنسی» ازدواج «است. امروزه مسائل اقتصادی و فقر، همچنین سخت گیری های بیش از حد دختران و خانواده ها در امر ازدواج باعث افزایش سن ازدواج دختران و مجرد آنها شده است. در نتیجه این فرآیند، جوانان جهت ارضای غریزه جنسی خود به انواع انحرافات جنسی روی می آورند. تحقیقات متعددی ارتباط میان مجرد و افزایش سن دختران با بزهکاری جنسی آنان را به اثبات رسانده است. (میر خلیلی و غریزی، ۱۳۹۱، ۱۲۵-۱۲۶)

نکته حائز اهمیت این جاست که گاه رابطه با جنس مخالف صرفاً به دلیل عشق به طرف مقابل نیست و گاهی نوجوان یا جوان با انگیزه رابطه جنسی اقدام به برقراری رابطه جنسی می کند.

۳- عدم مسئولیت پذیری

امروزه در برخی از خانواده ها به علت سست بودن پایه های فرهنگ و تربیت نشدن صحیح جوانان متأسفانه شاهد آن هستیم که جوانان برای اینکه تعهدات و مسئولیت های یک زندگی مشترک را نپذیرند از ازدواج رسمی گریزانند و به دنبال راهی هستند که بتوانند بدون تعهد و پابندی به یک زندگی مشترک به راحتی بتوانند با فرد مورد نظر در زیر یک سقف باشند اما تعهدی در بین نباشد این راه حل هم همان ازدواج سفید است که نه تنها افراد هیچ مسئولیتی در قبال هم ندارند بلکه تعهدات خود را نیز به دیگران می سپارند.

یکی از بزرگ ترین علت هایی که جوانان به هم باشی تن میدهند به این خاطر است که از بار مسئولیت خود کم کنند و یا اصلاً مسئولیتی در مقابل شریک زندگی خود نداشته باشند. در ارتباط سیاه؛ این پیوند ثبت نمی شود، دختر و پسر به راحتی می توانند رابطه خود را پایان دهند. به خصوص در جامعه ای که تعداد قابل توجهی از زندانیان به خاطر مهریه و نفقه در زندان ها به سر می برند و افراد برای طلاق موانع مختلفی را باید پشت سر بگذارند و با این حجم پرونده قضایی مدت های زیادی از عمر خود را باید در رفت و آمد های پاسگاهی و دادگاهی صرف کنند، برخی از افراد به فکر راه های کم دردرس می افتند؛ هرچند از نظر شرع، قانون و عرف خلاف و ناپسند باشد.

۴- مشکلات اقتصادی

یکی از دلایل قابل توجه دیگر برای روی آوری به ارتباط سیاه، مشکلات اقتصادی است. در جامعه ای که حتی افراد تحصیل کرده آن بیکارند و مشکلات پیچیده اقتصادی آنها باعث شده مرد های ۳۰ و ۳۵ ساله و حتی بالاتر نتوانند زندگی معمولی در شان خود را تأمین و راهبری کنند و نیز با توجه به این که فشارهای اقتصادی فضای ازدواج رسمی را نامناسب کرده است، طبیعی است که اگر پابندی های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی وجود نداشته باشد، برخی از جوانان ترجیح می دهند یا ازدواج نکنند و یا روابط پنهانی داشته باشند. (نظافتی، ۱۳۹۶، ۴۷)

بحران اشتغال و بیکاری و همچنین تعهدات مادی و غیرمادی سنگین در امر ازدواج از عوامل عمده بستر ساز در بروز الگوهای رفتاری جدید در جامعه است.

بند اول:

بحران اشتغال و بیکاری: در حقیقت اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات مهم اقتصادی هر کشور است به گونه ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخصه های توسعه یافتگی جوامع تلقی می شود.

طبق گزارشات رسمی دولت بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی در ایران ۱۰ برابر بیکاری غیر دانشگاهیان است. (تابناک ۱۳۹۷) میلیون ها جوان که درس و مطالعه و دانشگاه را تنها راه خوشبختی خود می پنداشتند و به امید داشتن زندگی بهتر راهی طولانی را سپری کرده اند و پس از سال ها تلاش بسیاری از آنها فهمیده اند که سرابی بیش نبوده است. همین امر موجب افزایش میزان افسردگی در سال های اخیر در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی شده است و به تدریج احساس انومی در آنان

افزایش می یابد. (رفیع پور، ۱۳۷۸، ۱۷۰) که همین خود منجر به شکل گیری ارزش های جدید در میان بخشی از جوانان جامعه شده است.

در حقیقت، جامعه امروز ایران با انبوهی از جوانان بیکار مواجه است که به بلوغ جنسی رسیده اند اما به بلوغ اقتصادی که از طریق اشتغال پایدار حاصل می شود دست نیافته اند. این وضعیت فقط مربوط به فارغ التحصیلان بیکار نیست بلکه افراد شاغل هم با «ناامنی شغلی» جدیدی در ایران مواجه اند، با فرایند خصوصی سازی در کشور مسئله «ناامنی شغلی» در سال های اخیر برجسته تر شده است «ناامنی شغلی» چیزی فراتر از مسئله بیکاری است و به شاغلانی نظر دارد که آینده شغلی خود را ناپایدار احساس می کنند لازمه ازدواج داشتن استقلال اقتصادی و ثبات شغلی است امری که امروزه هیچ اطمینانی به آن نیست و همین امر زمینه شکل گیری رفتار های جنسی نامتعارف را فراهم کرده است.

بند دوم:

تعهدات مادی و غیر مادی سنگین در ازدواج در سال های اخیر سلطه مد و تشریفات، الگوبرداری های غلط، تجمل گرایی و هزینه های کمرشکن در امر ازدواج (هزینه های عروسی، جهیزیه، تهیه مسکن) خواسته و ناخواسته راه دشوار و پیچیده ای برای ازدواج، در مقابل جوانان قرار داده و میل به ازدواج و شروع زندگی مشترک را در آنان کاهش داده است. معمولاً چنین الگوبرداری هایی از ازدواج های سخت و ناسالم و چشم و هم چشمی، زاییده عوامل محیطی و توقعات عجیب و غریب بعضی جوانان و خانواده ها است که قبل از این که معطوف به هدفی مطلوب باشد یا جایگاه شرعی، عرفی و قانونی داشته باشد نمایشی نمادین برای فخرفروشی و اثبات جایگاه اجتماعی زوجین است و به غلط پایه و اساس آبرومندی شمرده می شود. (مشرق نیوز، ۱۳۹۵)

بدیهی است مخارج سنگین ازدواج رسمی بیش از هر چیز جوان را دلسرد و منجر به کاهش ازدواج می گردد. رکود و تورم بیش از حد، و اقتصاد بیمار در ایران در سال های اخیر تأثیر زیادی در افزایش هزینه ها گذاشته است. دولت ایران طی سالیان اخیر تأکید زیادی بر کمک به جوانان در بحث ازدواج داشته است و اعطای وام های ازدواج و کمک مالی به زوجین گواه این مدعاست اما از طرفی راه های دسترسی به این وام ها و شرایط آن از طرف دولت به قدری محدود می گردد که گاه این پروسه طولانی نیمه کاره رها می گردد، همچنین اقدامات دولت در زمینه حمایت از جوانان و در جهت کاهش سن ازدواج اقداماتی قابل نقد است به این دلیل که حمایت از جوانان منوط به تامین شغل، مسکن، هزینه های ازدواج، وام های با درصد پایین و زود پرداخت می باشد که همه اینها زیرساخت های اقتصادی فعال می طلبد.

مهریه و مقدار زیاد آن یکی دیگر از معضلات و مشکلات جوانان در امر ازدواج می باشد در شرایط فعلی جامعه عدم استقلال اقتصادی و اجتماعی زنان از یک سو و افزایش آمارهای طلاق از سوی دیگر، دختران و والدین آنها را به شدت از آینده بیمناک نموده و به همین جهت مهریه سنگین را تضمین در برابر شرایط می دانند. (صادقی فسایی، کلهر، ۱۳۸۶، ۱۸-۱۳) گرانی و مشکلات اقتصادی و توقعات عجیب دختران پسران ازدواج رسمی را کاهش داده و در نتیجه جوانان برای رفع نیازهای جنسی خود به ازدواج سفید روی می آورند.

۵- بالا رفتن سن ازدواج

امروزه ازدواج جوانان یکی از چالش های اصلی جامعه ی ایرانی به شمار می آید. جوانان به دلایل مختلفی از ازدواج دوری می کنند و پدیده ی تأخیر در سن ازدواج نه به عنوان یک مساله و مشکل شخصی بلکه به عنوان یک مساله ی اجتماعی نمود پیدا کرده است.

در جوامع گذشته پسران و دختران با رسیدن به سن بلوغ یا کمی پس از آن اقدام به ازدواج می کردند و مجرد ماندن یک رفتار ناپهناجرامحسوب می شد اما با پیچیده تر شدن جوامع و الگوپذیری آنها از جوامع غربی و سکولار و نیز ایجاد خواسته ها و انگیزه های کاذب ذائقه اجتماعی تغییر یافت و به تبع آن نیاز طبیعی و غریزی به ازدواج سرکوب و این روند تا جایی پیش رفت که امروزه در بعضی جوامع غربی جوانان به کلی از ازدواج سر باز زده و آن را مانعی برای آزادی خود تلقی می کنند و

تنها زمانی به ازدواج روی می‌آورند که نشاط جوانی را از دست بدهند و نیازمند مراقبت باشند متأسفانه این فرهنگ نادرست جوامع اسلامی را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است و مشکلاتی همچون عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌توجهی به آن در سایر زمینه‌های زندگی، گرایش به ارتباطات غیر متعارف دختر و پسر، اختلالات جنسی، ابتلا به وسواس زیاد در انتخاب همسر، کاهش تمایل به ازدواج، وجود ولنگاری جنسی، ناهنجاری‌های اخلاقی و غیره را به دنبال داشته است. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ۱۲۰)

وقتی سن ازدواج بالا رود معیارهای انتخاب همسر مناسب، برای دختر و پسر مشکل‌تر می‌شود و به عبارت دیگر سخت پسند می‌شوند و ازدواج با ریسک بالاتری محقق می‌شود؛ لذا با انتخاب این نوع از رابطه با توجه خود می‌خواهند معیارها را به صورت عملی در زندگی مشترک محک بزنند و ریسک انتخاب را کمتر کنند، هرچند که این توجه در عمل اتفاق نمی‌افتد و به مراتب زیان وارده بالاتر و پذیرش چنین ریسکی خطرناک‌تر است. برای درک بهتر علت روی آوردن برخی از جوانان به این نوع از ازدواج می‌توان به فاصله شروع بلوغ جنسی و تشکیل خانواده اشاره کرد که تقریباً در دخترها و پسرها بین ۱۰ تا ۱۵ سال است و در این ایام تعداد قابل توجهی از جوانان صبر و قدرت کنترل لازم را نداشته و به طریقی باید نیازهای جنسی آنها تامین شود. علاوه بر آن که وقتی دختری از سنین متعارف ازدواج عبور کرد، از ترس مجرد ماندن به ازدواج با مردهای غیرکفو تن می‌دهد. به طور مثال به مردانی که دارای اختلاف سنی زیادی با او هستند، پاسخ مثبت می‌دهد. در این میان تعدادی از این دختران به خاطر جلوگیری از این گونه انتخاب‌ها و بروز مشکلات رفتاری با اعضای خانواده و تقابل‌های روزمره، قید ازدواج را زده و به زندگی مجردی و جدایی از خانواده روی می‌آورند (مشیر زاده، ۱۳۸۸، ص ۷۶) لذا آن دسته از جوانان که تابع شرع و قانون نیستند و برای خود خط قرمزی قائل نمی‌باشند، انتخاب پدیده زندگی زناشویی بدون ازدواج طریق ساده و کم هزینه‌ای است.

۶- تهاجم فرهنگی

با توجه به ماهیت سیاسی و انقلابی نظام جمهوری اسلامی ایران، یکی از خطراتی که در کمین این نظام توسط مخالفان و دشمنان وجود دارد موضوع تهاجم فرهنگی است که بارها از سوی مسئولین عالی رتبه نظام جمهوری اسلامی ایران مورد ادعا و تاکید قرار گرفته است.

طرفداران نظریه تهاجم فرهنگی معتقدند غرب پس از ناامیدی از دستیابی به خواسته‌های خود از طریق شیوه‌های نظامی و سیاسی در راستای مقابله و تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران، با برنامه‌ریزی و اجرای راهکارهای جدید تهاجم فرهنگی از قبیل ایجاد تزلزل در پایه‌های اعتقادی و دینی جامعه تلاش در لیبرالیزه کردن و از بین بردن پایه‌های خانواده، نابودی اخلاق و غیره به اضمحلال درونی جامعه و نظام کمر همت بسته است.

آنها با وارد کردن فیلم‌های هالیوودی و شبکه‌های ماهواره‌ای با رنگ و لعاب زیبا به تخریب بنیان‌های مذهبی و خانوادگی مشغول شدند. در این فیلم‌ها زوج‌ها به طور رسمی با هم ازدواج نمی‌کنند بلکه با هم در یک خانه زندگی می‌کنند و شبکه‌های ماهواره‌ای با این نوع سریال‌ها و فیلم‌ها خانواده را به تماشای خود کشانده و با این کار تا بوی چنین زندگی‌هایی را در بین والدین شکستند.

خانواده‌ها با پیگیری شبکه‌های ماهواره‌ای در سریال‌های طولانی وارد بازی کثیف غرب شدند که نتیجه آن گل زدن به دروازه خودی بود. امروزه اگر نگاهی گذرا به سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای بیندازید متوجه می‌شوید که مردم به تماشای موضوعی نشسته‌اند که خود ناخواسته به آن درگیر شده‌اند و این موضوع چیزی جز ازدواج سفید نیست. زندگی مشترک زیر یک سقف به عنوان دوست یا همخانه. زندگی که بدون عواقب و نگرانی از نداشتن تفاهم و معیارهای آغاز زندگی سالم آغاز می‌شود و نتیجه آن گذراندن ساعت‌ها روزها ماه‌ها و گاهی سال‌های خوش در کنار یکدیگر است اما مشکل از آنجایی آغاز می‌شود که با بروز اولین مشکل تصمیم به جدایی گرفته می‌شود و اینجا پسران و دختران سرخورده وارد جامعه می‌شوند و هیچ جایگاه و پشتوانه‌ای ندارند اینگونه می‌شود که نسل ضعیف و بی‌آرمان با تغییراتی پوچ و واهی باقی خواهد ماند که

زمینه از بین رفتن استقلال کشور را فراهم می‌کند، این همان هدف بزرگی است که دشمن ایران با صرف هزینه و حوصله زیاد سال‌ها در پی انجام آن است.

هدف اصلی تهاجم فرهنگی تحت تأثیر قرار دادن مردم یک جامعه است زیرا اگر ملتی از نظر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی تغییر کند، حکومت حاکم بر آن‌ها رفته رفته نهایتاً و به ناچار مجبور به پذیرش شرایط جدید و وضعیت تغییر یافته خواهد شد. وقتی تهاجم فرهنگی بیگانه، فرهنگ ملتی را با خود هم رنگ سازد، زمینه برای تسلط بیگانه بر آنان نیز فراهم می‌شود.

۷- شرایط و قوانین دست و پا گیر و دشوار طلاق

از دیگر دلایل کشش دخترها و پسرها به ارتباط سیاه پیچیدگی و اجمال و ابهام برخی قوانین مربوط به حقوق خانواده به ویژه طلاق است. تفاسیر متفاوت قضات در برخی مواد قانون حمایت از خانواده مثل حکم طلاق و صدور گواهی عدم سازش زوجین و با تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش در زمان طلاق و طولانی شدن پروسه طلاق و رفت و آمدهای قضایی، نبود مشاورین مجرب در حقوق خانواده، مشکلات عملی در اجرای آرای طلاق صادره از محاکم، ملتزم نشدن طرفین و یا یکی از آن‌ها به آرای قضایی و عدم اجرای آن‌ها در دادگاه‌های اجرای احکام، الزامی شدن قاضی مشاور زن در بین زوجین در حالی که اکثر قضات برای این امر مهم از دانش تخصصی لازم برخوردار نیستند، مشکلات قبل و بعد طلاق توافقی، جزایی بودن نپرداختن مهریه، نفقه و مواردی از این نظیر به حق یا به نا حق موانعی است که زن‌ها و مردها را به ارتباطات بی تعهدانه و جدا شدن ساده سوق می‌دهد که در این موارد بر مدیران قضایی و اجرایی کشور تکلیف است که نسبت به آنها بازبینی و تدبیر کارساز کنند. (قانون حمایت از خانواده، ۱۳۹۱) شرایط بسیار سخت طلاق در قانون منجر شده است که به این گونه اقدام واکنش نشان داده و از ازدواج رسمی ترس و واهمه داشته باشیم و به سراغ ازدواجی آسانتر برویم.

ترس از طلاق در میان جوانان به ویژه در میان زنان و عواقبی مانند سرنوشت فرزندان، قضاوت‌های تنگ نظرانه افراد جامعه نسبت به طلاق و زنان مطلقه، احساس بیگانگی، نداشتن پشتوانه اقتصادی، مهریه و ناامنی و ناراحتی سبب شده است که ازدواج سفید راهکاری منطقی برای برخی جوانان دیده شود. زنان به ویژه با قدم نهادن در عرصه ازدواج رسمی در ساختار قانونی مورد تبعیض‌های جنسیتی نداشتن (شروط ضمن عقد) حق برابر طلاق، حضانت فرزند و ... واقع میشوند و این موضوع دلیل جدی گزینش ازدواج سفید به عنوان بدیلی برای ازدواج رسمی است.

۸- تنوع طلبی جوانان

تنوع طلبی برخی از جوانان از دیگر دلایل رابطه خارج از ازدواج رسمی که در فرهنگ ما بر حسب هوس بازی محقق می‌شود، براساس تحقیقات به عمل آمده، عواملی چون فاصله زیاد میان سن بلوغ و ازدواج و زمینه‌های مناسب برای داشتن شریک‌های جنسی متعدد پیش از ازدواج، تأثیر پذیری جوانان از عوامل بیرونی، مشکلات جنسی زوج‌ها در ازدواج دائم و عدم وجود مراکز مشاوره‌ای و تخصصی لازم برای این افراد و هم چنین چشم چرانی، تماشای فیلم‌های تحریک کننده جنسی، مشاهده تصاویر شهوت انگیز، مشاهده فیلم‌های مبتذل، پوشش و آرایش نامناسب و تحریک کننده در جامعه و هم چنین مشاهده سریال‌های ماهواره‌ای که روابط آزاد دختر و پسر را رواج می‌دهند و قبح و زشتی آن را کاهش و کم رنگ می‌کنند و نظایر آنها از جمله مهم‌ترین عواملی است که بر تنوع طلبی برخی از افراد جامعه به ویژه جوانان دامن زده است و موجب شده است که به ارتباط سیاه تن دهند تا هر زمان از شریک جنسی خود خسته یا زده شدند به شریک دیگر روی آورند. مسلماً این نوع تنوع طلبی برخی از جوانان مانع از تعهد رسمی آنان برای ازدواج خواهد شد. (نظافتی، ۱۳۹۶، ص ۴۸)

در نتیجه انسانهای تنوع طلب هیچ گاه نمی‌توانند یک رابطه‌ی پایدار، طولانی مدت و کاملی را با پارتنر و یا شریک عاطفی خود داشته باشند زیرا همیشه فکر می‌کنند ممکن است فرد مناسب تری در گوشه‌ای از دنیا منتظر آنها می‌باشد!

۹- خانواده

از عواملی که موجب سوق یافتن به سوی انحرافات اجتماعی در خانواده می شود، فقر فرهنگی و محدودیت ها و تبعیض های ناشی از فقر فرهنگی می باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده است. چنان که سطح تحصیلات «بی سواد و یا کم سواد اعضای خانواده»، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های مذهبی، عدم همنوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیر رسمی جامعه، هنجار شکنی اعضای خانواده و اشتباه به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرائم آنان را دو چندان می کند.

عدم توجه والدین به مسائل جنسی فرزندان و برخورد های نادرست با این مسئله، می تواند عامل مهمی برای انواع این انحرافات از جمله رابطه نامشروع بین دختر و پسر باشد. از یک سو، حساسیت بیش از حد خانواده ها نسبت به مسائل جنسی فرزندان و نیز نادیده گرفتن این مسائل در برخی از خانواده ها و از سوی دیگر، عدم ارائه آگاهی های لازم و صحیح به جوانی که ضمن مواجه با بلوغ زودرس، به شدت در معرض رفتارهای جنسی هستند فرد را به سوی انحرافات جنسی سوق می دهد. توضیح اینکه، گاهی خانواده ها درباره طرح مسائل جنسی در برابر فرزندان حساسیتی نشان نمی دهند، درمورد ارزش هایی نظیر عفت و غیرت، کم توجه یا بی توجه اند، کنترل لازم را بر فرزندان اعمال نمی کنند و حتی شاید نگاه توسعه ای به روابط جنسی داشته باشند. بدیهی است که فرزندان این دسته از خانواده ها ضمن مواجه با بلوغ زودرس، به شدت در معرض رفتارهای جنسی خارج از چهارچوب و انحرافی قرار خواهند گرفت. در مقابل، رفتار خانواده هایی که کنترل شدیدی نسبت به مسائل جنسی فرزندان دارند، به حدی که از واقع بینی در این باره دور می شوند، باعث دوری فرزندان و والدین از هم شده و بدیهی است در چنین شرایطی، آگاهی صحیح و لازم از سوی والدین به فرزندان درباره مسائل جنسی، به مقتضای سن و نیاز آنها داده نمی شود؛ درحالی که نقطه کور اصلی سنین نوجوانی و جوانی، مسائل جنسی است. دراین شرایط نیز زمینه ای از گرایش های غیرعادی در افراد نسبت به مسائل جنسی ایجاد می شود. (میرخلیلی و عزیزی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶-۱۱۷) از سویی دیگر، طبق آمارهای اقتباس شده از مردان و زنان جدا شده از هم، ۶۸ درصد اظهار کرده اند در اثر طلاق بیمار و رنجور شده اند، ۶۰ درصد دچار اضطراب دائمی، ۸۲ درصد دارای احساس گناه و ۶۲ درصد مبتلا به پریشانی اند. این عده پس از طلاق، دچار خستگی و کاهش کمیّت و کیفیت در شغل، بی علاقه شدن به آن، بی اعتمادی به دیگران، دلتنگی و بی حوصله شدن در تربیت و نگهداری فرزندان، ستیزه جو شدن، تمایل برای خودکشی و ... شده اند. (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰-۳۴۲) در نتیجه این امر باعث می شود که بچه های طلاق نسبت به ازدواج به صورت رسمی خودداری کنند چرا که یک بار آثار طلاق و گسستگی خانواده را تجربه کردند و دیگر تمایلی به تشکیل خانواده ندارند و همین امر باعث می شود که این افراد به سمت ازدواج سفید کشیده شوند.

فرزندان خانواده های از هم گسیخته نیز به دلیل غیبت والدین، به دلایل مختلف با مشکلات عاطفی و تربیتی مواجه هستند، ناتوانی این خانواده ها در برآورده کردن نیازهای روحی - روانی و گاه مالی از یک سو و اختلال در روند اجتماعی شدن فرد در هنگام کودکی از سوی دیگر زمینه لازم برای ارتکاب به فرار و سایر آسیب های اجتماعی را فراهم می کند. نبود تفاهم و روابط ناسالم بین زن و شوهر نیز زمینه ساز فرار زنان از خانه است. (حیات روشنایی، ۱۳۸۱، ۱۲۹) پدیده فرار زنان و دختران خود می تواند منشأ ازدواج سفید باشد.

۱۰- دوستان ناباب

گروه هم سالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و هم سالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است.

درغیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه هم سالان، هم فکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصراً زیر نفوذ گروه قرار می گیرد. بدین روی، اگر فردی با گروهی از افرادی که منحرف جنسی هستند رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می گیرد و منحرف می شود؛ چون ملاک پذیرش و قبول فرد توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آنهاست. (سلیمی و داوری، ۱۳۹۳، ص ۳۳۵) در این صورت، اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقدّماتی و صحیح خانوادگی محروم باشد و خانواده اش او را از پیامدهای ازدواج سفید مطلع نکرده باشند و در محیطی زندگی کنند که روابط بین دختر و پسر آزاد است و با دوستانی که رفتارهای انحرافی انجام می دهند نیز سر و کار داشته باشد، احتمال اینکه منحرف شود زیاد است.

۱۱- تغییر سبک زندگی

امروزه تفاوت در نگرش به نحوه رابطه با جنس مخالف به یکی از اصلی ترین کانون های مناقشه بین نسلی در خانواده های شهری تبدیل شده است. بیشتر این روابط، پنهانی و دور از چشم والدین شکل می گیرد و تداوم می یابد چرا که بسیاری از فرزندان والدین خود را محرم اسرار جنسی خود نمی دانند. در این بین گروه های دوستی نقش موثری در رفتار فرد دارند تا خانواده اش. (کاظمی، ۱۳۸۹، ۳۹۶) از طرفی رواج کلان شهرنشینی و زوال مفهوم محله از دیگر نتایج گسترش وسایل ارتباط جمعی و گسترش زندگی به سبک ازدواج سفید است. عواملی که با کاهش کنترل های غیر رسمی بر فرد و افزایش فرصت گمنامی، در میان حجم انبوه جمعیت شهری، زمینه تداوم انواع روابط نامتعارف را فراهم کرده است. در کلان شهرهایی چون تهران به تدریج مفهوم محله در معنای سابق آن از بین رفته و جای خود را به جمع های انسانی فاقد هویت گروهی داده است. در چنین اجتماع هایی، دیگر نه اثری از آبروی محلی مانده است و نه مفهوم همسایگی و کنترل غیر رسمی. از طرفی بی تفاوتی اجتماعی افزایش می یابد و حتی پس از سالها هم جواری، دو همسایه همدیگر را نمی شناسند. این نکته به ظاهر ساده با ایجاد فضای گمنامی، یکی از بهترین فرصت ها را برای شکل گیری و بروز هم خانگی در کلان شهرها فراهم کرده است.

در همین راستا دختران و پسرانی که پیش از این برای حفظ آبرو در سطح محله ارتباط خود را نمایان نمی کردند و جنبه خود کنترلی بر روابط آنها حکم فرما بود، این بار در دل گمنامی شهری دیگر ابایی از ارتباطات نامتعارف خود ندارند. فرآیندی که با پیدایش تکنولوژی های ارتباطی بر پنهان بودن آن نیز افزوده شده است. (احمدی، ۱۳۸۶، ۸)

در دهه های اخیر، تحولات جدی در الگوهای رفتاری خانواده ها به وجود آمده است؛ تغییر در الگوی مصرف، نوع پوشاک، مسکن، افزایش سطح انتظارات و توقعات خانواده ها، روحیه تنوع طلبی، تجملاتی شدن زندگی اجتماعی و تأثیر پذیری از فرهنگ غربی، بستر مناسبی برای تغییر سبک زندگی اسلامی در جامعه ما فراهم آورده است. برخی جوانان بر این باورند که ازدواج موجب ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته ها و نیاز های آنان می شود. از این رو ترجیح می دهند به شکل مجرد و آزاد زندگی کنند! این گرایش نه تنها در بین پسران، بلکه بسیاری از دختران نیز ازدواج را نوعی محدودیت و موجب سلب آزادی های فردی خود می دانند. این سبک زندگی، غربی و الگو گرفته از ماهواره و شبکه های اجتماعی است. ورود امکانات جدید ارتباطی نظیر اینترنت و شبکه های ماهواره ای به زندگی شهروندان، موجب تغییرات سبک زندگی و تغییرات ارزشی شدید در جامعه ما شده اند. (آزاد ارمکی و خادمی، ۱۳۸۲، ۱۲) به عبارت دیگر، با ترویج فرهنگ بیگانه از طریق رسانه های ماهواره ای و شبکه های اجتماعی، و ورود این ارزش های بیگانه با بافت فرهنگ بومی، ملی، دینی و در نتیجه فعال شدن منابع خارجی تغییر در ارزش ها و ناسازگاری این ارزش ها با بستر و محیط اسلامی جامعه دینی، زمینه تغییر و تحولات گسترده ارزش های حاکم بر نهاد خانواده را فراهم ساخته، خود زمینه ساز برخی تغییرات از جمله، نوع انتخاب همسر، فاصله سنی زن و مرد و ... در خانواده شده، در نهایت، سبک زندگی دینی را با چالش های جدی و تغییراتی مواجه ساخته است.

۱۲- عصر ارتباطات

دنیای مدرن تغییرات زیادی را در عرصه های مختلف ایجاد کرده است. در این عصر که عصر ارتباطات و آمیختگی فرهنگ هاست، موضوع تغییر الگوی خانواده و سبک ازدواج تبدیل به مساله و چالشی شده که از فرهنگ های امروزی تاثیر می پذیرد.

امروزه با گسترش رسانه هایی مانند ماهواره و اینترنت که محدود به مرزها نیستند و تسلط دولت ها بر آنها ممکن نیست، بی بند و باری در جوامع، به سرعت گسترش می یابد و موجب انحرافات مانند فرار از خانه و جرائمی مانند روابط جنسی نامشروع در نوجوانان و بزرگسالان می گردد که اولین آثار آن متوجه خانواده می شود. ایجاد این جرائم و انحرافات باعث اختلافات خانوادگی، فشارهای روحی، اعتیاد، طلاق، از هم پاشیدگی خانواده می گردد؛ البته درکنار عامل رسانه در ایجاد این جرائم، باید سایر عوامل چون خانواده، ویژگی های شخصیتی فرد، اقتصاد و غیره را نیز در نظر گرفت. (عابدی و افشاری، ۱۳۹۰، ۱۱۵)

انعکاس کجروی های اجتماعی در رسانه ها درکاهش نفرت از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه تأثیر بسزایی دارد، زیرا فرد ضمن اطلاع از نقض هنجارها توسط رسانه ها، در می یابد که هنجار های اجتماعی که به نظر وی غیرقابل تخطی بودند، قابل شکستن و تخلف هستند، لذا انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می شود و این یکی از کارکردهای منفی بیان کجروی ها و انحرافات اجتماعی در رسانه ها است. (ضمیری، ۱۳۸۱، ۱۱۱) به طور نمونه دختر شهرستانی که از پدیده ازدواج سفید اطلاع چندانی ندارد، با شنیدن یا دیدن خبر مربوط به ازدواج سفید متوجه می شود که این کار می تواند یکی از راههای رهایی او از برخی مشکلات و تضاد های خانوادگی باشد و هنگامی که در کانون خانواده، احساس ناامیدی و سرخوردگی و خلأ عاطفی به او دست می دهد، ممکن است همان راهی را برگزیند که برخی دختران برای رهایی از رنج های خانوادگی انتخاب کرده بودند. و همچنین ارائه انواع روابط نامشروع و حتی گسترده تر از آن، اعمال منافی عفت و حیای عمومی در برنامه های ماهواره ای خارجی سبب می شود که نوع درک، نگاه و شناخت افراد به موضوع روابط نامشروع و بالتبع رفتار آنان در برابر این مسئله، با تغییرات شگرفی مواجه شود. در این زمینه مسئله اثر تحریک کردن مطرح می شود تحریک کردن، بر فکر افراد اثر می گذارد. بر این مبنای تحریکات ادامه دار نوعی از رفتار خاص چه بسا بر افکار، احساس و تمایل به اجرای این نوع رفتار در افراد تماشا کننده، اثر بگذارد. مسئله تحریک به دو دلیل در بررسی رفتارها مهم است؛ ابتدا اینکه اثر مستقیم رفتار در رسانه ها را در افراد نشان می دهد و دوم نشان می دهد که چرا بعد از دیدن این نوع رفتار در رسانه ها اغلب رفتارهای فراتر و متفاوت تر از رفتار های مشاهده شده؛ تکرار و تعقیب می شود. نمایش مکرر و ادامه دار روابط نامشروع در برنامه های ماهواره ای خارجی چه بسا منجر به پذیرش، توجیه، مثبت تلقی کردن و در نهایت اجرای این نوع رفتار در جامعه شود و بالتبع کسانی که از این برنامه ها استفاده می کنند، بیشتر مستعد پذیرش آن می شوند.

۱۳- ایجاد خانه های مجردي

عوامل اجتماعی فراوانی در شیوه هم خانگی نقش دارند، عواملی که قبل از هرچیز زمینه های ازدواج شرعی را از بین می برند و فرد جوان را به سمت این نوع ازدواج های غیرشرعی سوق می دهند، یکی از این عوامل گسترش خانه های مجردي است. در افزایش خانه های مجردي در کشور عواملی از جمله مهاجرت، تعارض نسلی با والدین و استقلال طلبی دخیل هستند که یک به یک تشریح هر یک خواهیم پرداخت.

بند اول: مهاجرت

معمولاً با پایان تحصیلات در دوره متوسطه، اکثر جوانان وارد دانشگاه می گردند و عده ای هم به تحصیل خود خاتمه داده و پس از گذران خدمت سربازی وارد محیط کار می شوند. هر دو مورد به اقتضا شرایط اکثراً مهاجرت می کنند، مهاجرت هایی

از نوع تحصیلی و شغلی. پس از این مهاجرت های فردی بدیهی است در اولین اقدام، فرد به فکر سرپناهی برای خود می باشد و در اولین گام یک خانه مجردی برای خود تهیه می کند و بدین ترتیب زمینه برای افزایش خانه های مجردی فراهم می گردد. اکثر مهاجرت های تحصیلی در دوران دانشگاه اتفاق می افتد یعنی معمولاً از سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی و یا حتی ۲۵ سالگی و تقارن این دوره از سن که معمولاً میزان نشاط و لذت طلبی بیشتری در فرد جوان وجود دارد با فاصله گرفتن از محل زندگی و خانواده و زمینه های استقرار در خانه مجردی در این شرایط برای فرد فراهم می گردد. (راهشخو، ۱۳۹۱، ۸۵) مهاجرت شغلی نوعی از مهاجرت است که معمولاً بعد از پایان تحصیلات یا بعد از پایان خدمت سربازی و در جستجوی کار مناسب صورت می گیرد. گاهی فرد مجبور است به دلیل تأمین هزینه ها، کیلومترها دورتر از محل زندگی خود به کار کردن بپردازد و در این شرایط برای خود سرپناهی در نظر خواهد گرفت.

بند دوم: تعارض های نسلی

از دیگر عوامل اجتماعی روی آوردن جوانان به خانه های مجردی، تعارض های نسلی در نتیجه تضعیف بنیان های خانوادگی است. امروزه برخی از جوانان به بهانه آنچه با طرز تفکر سنتی در مقابل طرز فکر مدرن خود می پندارند دچار اختلافاتی با والدین می شوند و گاهی اوقات دامنه این اختلافات فراتر از این می رود و جوان برای رهایی از این مشکل به دنبال استقلال خود بر می آید و زندگی مستقل برای خود مهیا می سازد.

بند سوم: استقلال طلبی

گاهی شرایط اقتصادی و اجتماعی فرد به گونه ای رقم می خورد که امکان ازدواج برای فرد تا مدت ها فراهم نیست یا اینکه فرد قصد ازدواج پیدا نمی کند یا به دلیل عواملی مثل طلاق یا فوت همسر دیگر تمایلی به ازدواج ندارد و از طرفی افزایش سن امکان ادامه زندگی با والدین را غیر ممکن می سازد، در این صورت فرد بدیهی است که به استقلال فکر می کند و با جدایی او از والدین زندگی فردی مستقلی برای خود مهیا می کند. (ایراندوست، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶). به طور کلی با جمیع این شرایط خانه های مجردی افزایش چشم گیری یافته اند و به تبع آن زمینه اولیه ازدواج سفید که همان خانه مجردی برای جوانان است فراهم گردیده است، این مورد را می توان از عوامل مهم شیوع ازدواج سفید در کشور دانست.

۱۴- تنهایی افراد

فرار از تنهایی و یا صرفاً بیرون آمدن از خانه پدری در بسیاری از موارد جزو دلایل اصلی ازدواج سفید است. هدف از ازدواج باید خود ازدواج باشد نه چیز دیگر؛ یعنی زوجیت و شریک یافتن و رشد و تکامل فردی و اجتماعی. فرد باید در وهله ی اول هدف خود را از ازدواج مشخص کند. بنابراین دلایل و انگیزه های ازدواج بسیار مهم هستند و باید به آنها فکر کرد. بسیاری از جوانان تنها برای فرار از تنهایی و تجربه ی زندگی مشترک ازدواج سفید میکنند و معیارهای اساسی در انتخاب همسر را نادیده میگیرند. و بیشتر جوانان به دلیل وضعیت نامناسب منزل و برای فرار از آن خانه، راه تنهایی را انتخاب می کنند و در این تنهایی به دنبال ازدواجی بدون تعهد هستند و به سراغ ازدواج سفید می روند.

پیامدها و آسیب های گرایش جوانان تحصیلکرده به ازدواج سفید

از آن جایی که این مدل سبک زندگی در هیچ یک از نهاد های دولتی یا سازمان های دینی به ثبت نمی رسد و پدیده ای نه شرعی، نه عرفی و نه قانونی و نه سفید است و ابتدا و انتهای هم ندارد و نتیجه اش جز فساد و بی بندوباری چیز دیگری نیست دارای آسیب های روانی، اجتماعی، اقتصادی فراوانی در جامعه است.

از جمله اینکه از بین رفتن بنیان خانواده و رواج سبک زندگی غربی و آزادی های جنسی را به همراه دارد زیرا در جامعه روابط زناشویی جدا از چهارچوب های شرعی در چهارچوب های قانونی نیز تعریف شده است و جوانان درکشور که باید پایه گذار خانواده ایرانی و اسلامی باشند بیشتر به یک بی بندوباری جنسی تمایل پیدا خواهند کرد.

نتیجه گیری:

می توان گفت این پدیده محصول آشفتگی اجتماعی و نوعی سبک زندگی بیمارگونه است که علاوه بر ایجاد هویت دوگانه برای طرفین درگیر در آن و بروز انواع خشونت ها علیه زنان، آسیب های دیگری را به عنوان ره آورد به همراه خواهد داشت که عبارتند از: کاهش نرخ ازدواج در نتیجه از بین رفتن جذابیت ازدواج پس از تجربه همباشی، تنگ شدن حلقه انتخاب در صورت تصمیم به ازدواج، از دست رفتن فرصت فرزندآوری و در نتیجه بالا رفتن سن ازدواج، کم شدن حس مسئولیت، تحمیل هزینه های اضافی بر جامعه برای پرورش فرزندان این ارتباط، کم شدن اعتماد زوجین به یکدیگر، زیاد شدن احتمال طلاق، کم شدن شادی و نشاط زوجین به خصوص زنان، کاهش شانس مادر شدن دختران و نیز شیوع انواع بیماری های مقاربتی که به دلیل ارتباط های جنسی ناسالم دیگر، گریبانگیر همباش ها خواهد شد.

اگرچه افزایش خانه های مجردی و ایجاد ارتباط آسان میان دختر و پسر باعث شده که خلأ ازدواج از بین رفته و جوانان احساس نیاز به این پیوند را نداشته باشند ولی نباید با تابوسازی امر همباشی این پدیده را انکار کرد که نتیجه این عمل انفجار ناگهانی رشد آمار این آسیب اجتماعی در آینده خواهد بود.

البته که می توان با مهیا ساختن شرایط درست برای شناخت صحیح جوانان از یکدیگر و در عین حال مدیریت نیازهای جنسی از شیوع روابط نامتعارفی چون همباشی جلوگیری کرد و شیوه های منطقی هدفمند کردن رابطه جوانان و در نهایت ازدواج را در جامعه به کار بست.

اندیشمندان اجتماعی برای این نوع زندگی، که در ایران عمدتاً در بین دانشجویان رواج دارد دلایل مختلفی را برشمرده اند برخی از این دلایل عبارتند از: تغییرات فرهنگی جامعه ایران، مشکلات مالی جوانان، محک زدن رابطه، آشنایی بیشتر، عدم اعتقاد به ازدواج، سست شدن اعتقادات مذهبی، افزایش مردان تنها و زنان بیوه ناشی از طلاق، الگو برداری از ماهواره و رسانه های بیگانه که قبح این نوع رابطه را از بین می برند، توقعات بالای دختران، قطع وام ازدواج و هرگونه کمک مالی به پسران از سوی نهادهای مالی، کشیده شدن به مصرف مواد مخدر و ایجاد خلأ روانی برای دختران، دور ساختن طرفین از شروع جدی زندگی، احساس فریب خوردگی، تعهد مالی کمتر در این رابطه، و رهایی از هفت خوان ازدواج رسمی است.

تغییر فرهنگ و نگاه نسل جوان به زندگی و روابط اجتماعی بستری مهیا برای رشد و گسترش این گونه روابط را فراهم کرده است. تحصیل و اشتغال زنان و استقلال مالی آنان باعث شده دیگر قوانین مردسالارانه را بی چون و چرا نپذیرند.

مردان نیز به واسطه تنوع طلبی، که از جمله ویژگی های جوامع مدرن است، به دنبال بهره مندی از روابط بی حد و حصر با جنس مخالف هستند. به همین دلیل زن و مرد جوان در دوره کنونی به جای ازدواج قانونی، به دنبال ارتباط غیررسمی و هم خانگی هستند.

منابع

قرآن کریم

۱. احمدی، ۱۳۸۶.
۲. آزاد ارمکی و خادمی، ۱۳۸۲.
۳. آزاد ارمکی، ۱۳۸۶.
۴. آهنگرانی، ۱۳۹۲.

۵. ایراندوست، ۱۳۹۲.
۶. تابناک، تعداد بیکاران لیسانس.
۷. حیات روشنائی، ۱۳۸۱.
۸. رامشخو، ۱۳۹۱.
۹. رفیع پور، ۱۳۷۸.
۱۰. سلیمی و داوری، ۱۳۹۳.
۱۱. شاه آبادی و سلیمانی، ۱۳۹۱.
۱۲. صادقی فسایی و کلهر، ۱۳۸۶.
۱۳. ضمیری، ۱۳۸۱.
۱۴. عابدی و افشاری، ۱۳۹۰.
۱۵. فرهاد، ۱۳۷۲.
۱۶. قانون حمایت از خانواده، ۱۳۹۱.
۱۷. کاظمی، ۱۳۸۹.
۱۸. محمد بن یعقوب کلینی، ۱۳۷۵.
۱۹. مرتضوی فر، ۱۳۹۴.
۲۰. مرکز آمار ایران.
۲۱. مشرق نیوز.
۲۲. مشیرزاده، ۱۳۸۸.
۲۳. میر خلیلی و عزیزی، ۱۳۹۱.
۲۴. نصرتی نژاد و بهرامی، ۱۳۹۶.
۲۵. نظافتی، ۱۳۹۶.
۲۶. نظافتی، ۱۳۹۶.